

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

سه شنبه ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۱

فریده نوری

## افغانستان

### بسوی ختم جنگ های بی پایان

در مسیر کابل

منبع: Le Monde Diplomatique

خبرنگار: سرچ حلیمی (Serge Halimi)

تاریخ: اخبار ماهانه سپتامبر ۲۰۲۱

مترجم: فریده نوری

یک اردوی بزرگ ممالک غربی نمی تواند شکست بخورد. ناکامی شان ضرور توسط سیاستمداران بدون ستون فقرات و توسط دستیاران محلی شان که بدون جنگ فرار کردند، ارتباط دارد. بیشتر از یک قرن، این افسانه خنجر زدن از پشت، نشخوار کردن و همچنین اشتیاق به انتقام، رفتن به جنگ را غنی می سازد. شستن و پاک نمودن یک توهین و هتک حرمت به مفهوم آمادگی برای یک مقابله را اعلان می کند.

تصویر میدان هوایی کابل بسیار شرم آور و تحقیر آمیز برای امریکا، و وحشتناک و هولناک برای آن هایی بود که جمع بزرگ را یاری می رسانند.

قرار مشاهدات آقای آرمین لَشیت، Armin Laschet، شخص ایکه انگلا مرکل Angela Merkel، آرزو دارد که جانشینش شود، می گوید "از زمان خلق شدن ناتو این کلان ترین شکست و فروپاشی ناتو می باشد".

جنگ افغانستان در واقع نشان دهنده اولین مداخله ائتلاف اتلانتیک شمالی به اساس ماده پنجم منشور تأسیس آن بود:

به یک کشور عضو این ائتلاف (امریکا) به تاریخ یازده سپتامبر ۲۰۰۱ حمله شد ( در آن حمله افغان ها دخالت نداشتند)، اعضای دیگر ائتلاف به کمک کشور ایکه به آن حمله شده بود، رفتند. این تجربه نشان دهنده این بود، زمانیکه واشنگتن و پنتاگون رهبری یک عملیات نظامی را رهنمایی می کردند، متحدین شان مانند رعیت از آن ها پیروی کردند، لاکن برای ختم خشونت و جنگ با آن ها (متحدین) مشوره نشد.

حتی لندن که با عادات واشنگتن آشنایی داشت در مقابل این همه تحقیر قیام کرد. در حال حاضر امیدواریم که شکست و ناکامی در افغانستان درسی برای ائتلاف باشد که در یک ماجراجویی جدید واشنگتن وی را تعقیب نکند. به طور مثال با تشکیل یک جبهه برای تایوان و کریمیه Crimée علیه چین و روسیه.

خطر قابل درک است، لاکن فاجعه که توسط محافظه کاران نو در عراق ، لیبیا و افغانستان به وقوع پیوست خیلی کم بالای قدرت تخریب کننده شان تأثیر گذار بود. به همه حال خسارات و آسیب انسانی توسط دیگران پرداخته شد نه آنها.

اکثریت امریکایی هایی که در افغانستان جنگیده اند از قریه ها و قصبات امریکا می باشند و بسیار دور هستند از انجمن هائی که در آن جا ها تصمیم جنگ گرفته می شود و هم دور از جنگ طلبان، خبرنگاران و نویسندگان می باشند.

امروز کدام شاگرد، کدام خبرنگار و کدام رهبر سیاسی شخصاً یک عسکر ای را که در جنگ کشته شده است، می شناسد؟ سربازگیری باید از تمام ملت صورت بگیرد.

از سال ۲۰۰۱ ، رئیس جمهور امریکا بدون تأیید قبلی کانگرس عملیات نظامی را به بهانه مبارزه علیه تروریسم به راه انداخت. دشمن معلوم نبود، و همچنان ساحه جغرافیایی و دوام ماموریت نیز نا معلوم بود.

چهار سال قبل سناتوران امریکایی خبر شدند که هشتصد عسکر شان در نجر Niger می باشد و از آن هم به دلیلی خبر شدند که چهار تن شان کشته شده بود.

یک گروه وکیل های پارلمان از هر دو جناح و با موافقه جو بایدن متعهد شدند که چک سفید که به دستگاه اجرائیوی داده می شود لغو کنند.

این ها همه برای فرانسه که اردویش در مقابل افریقا تعهد دارد، نیز باید آموزنده باشد، باید اولاً عاقلانه در مورد جیوپولیتیک، ائتلافات و ستراتیژی آینده اندیشید. مخصوصاً بعد از افغانستان.

اما اگر به قضاوت آخرین گزارشات یک تعداد کانديد های انتخابات رياست جمهوری ماه اپريل سال آينده گوش فرا دهيم، اوضاع اين طور ارزيابی نمی شود.

ايمانويل مكرون شروع نموده به عوامفريبی امنيتی، با تشبيه کردن افغان ها ايکه از استبداد طالبان فرار می کنند به «هجوم مهاجرت های بسيار زياد و غير منظم».

تغيير شکل دادن پناهندگان یک رژيم ديکتاتوری را به تروريست های فرضی، به امید به دست آوردن رضایت رأی دهندگان محافظه کار.

برای دو کانديد حزب راست "یک قسمت آزادی جهان در کابل بازی می شود". در مورد رئيس بلديه کانديد حزب سوسيالیست ها، خانم هيدلگو، وی پیشگفتار خود را بالای تحليل از منحرف شدن مسير غرب توسط یک جمله واقعا و دقیقاً تکان دهنده ابراز کرد: **"مانند همیشه در مورد افغانستان برنارد هانری لیفی مرا مطلع ساخت"**.

به اين ترتيب بدون شک نتیجه گیری اين طور خواهد بود "که برای ما لازم خواهد بود به یک نوع يا نوع ديگر، راه کابل را دوباره بگيريم". برای خانم هيدلگو **"فکر مسعود نبايد از بين برود"**. برای خانم هيدلگو و خانم Valérie Pécresse کانديد حزب راست همین باقی مانده که به روس ها و ائتلاف اتلانتیک متوسل شوند تا برای شان طرز العمل آخرين عملکرد پيروزمندانۀ شان را بالای پایتخت افغانستان بدهند.

ادامه دارد...

---

تأکيدات در ترجمۀ فوق، از استقلال – خپلواکی است. در مورد جاسوس شناخته شده فرانسوی- يهودی الاصل بنام **"برنارد هانری لیفی"**، قلم به دستان توانا و همکاران گرامی ما، هریک محترم دكتور "ستانیزی" و محترمه "ملالی موسی نظام" معلومات جامع، مستدل و دست اول در مقالات شان ارائه داشته اند که از ایشان صمیمانه سپاس گزاريم.